

# خفت‌گیری را در اینستاگرام آموزش دیدم!

**آرمین پینا** مجرم سابقه‌دار که با همدستی یکی از دوستانش دست به خفت‌گیری‌های سریالی می‌زد پس از دستگیری گفت شیوه سرقت را از اینستاگرام آموزش دیده است.

چندی قبل خانم معلم جوانی در یکی از خیابان‌های شمال تهران وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از دو سارق موتورسوار به اتهام سرقت کیفهدستی و اموال پارزش شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل از خانه‌ام بیرون آمدم تا برای انجام کاری به مدرسه‌ای که در آنجا درس می‌دهم، بروم. خیابان خیلی خلوت بود و من در حال رفتن به سر خیابان بودم تا با تاکسی به مدرسه بروم که متوجه شدم مرد جوانی پشت سرم در حرکت است. خیلی به او توجهی نکردم، اما قدم‌هایم را تندتر برداشتم و می‌خواستم زودتر به سر خیابان برسم که ناگهان او دستانش را از پشت به گردنم انداخت و به شدت گلویم را فشار داد. آنقدر گلویم را فشار داد که از نفس افتادم و نزدیک بود به خفه شدن. درحالی‌که مرا بلند کرده بود و به عقب می‌کشید، دستاتم کمرم قف شد و کیفم از دستم افتاد. سارق خشن مرا راه کرد و من هم نقش سر زمین شدم و او نیز کیفم را برداشت و با موتورسیکلتی که رانده‌اش از قبل نگه‌داشته بود به سرعت از محل فرار کردند. من دقایقی توان برخاستن از زمین و حرف زدن نداشتم تا اینکه به خودم آمدم و یاداد و فریاد در خواست کمک کردم، اما کسی نبود که به فریادم برسد.»

وی در پایان گفت: «سارقان، کیفم را که داخلش تلفن همراه و تعدادی کارت اعتباری‌بانک و مقدار زیادی پول نقد در آن بود، سرقت کردند.»

**گفت‌وگو با متهم**

قدی بلند و هیكلی روز زده دارد، می‌گوید به صورت حرفه‌ای فو نیل بازی می‌کرده و هافبک تیم باشگاه دسته یکی بوده، اما از تباط با دوستان ناپاب او را وارد چر که خلافکاران کرده و تمام آرزوهایش را بر باد داده است. ابتدا رادوبویض خودرو سرسرت می‌کرده، اما پس از آشنایی با شیوه خفته‌کنی در اینستاگرام تصمیم می‌گیرد به این شیوه سرقت کند.

**شهرزاد سابقه‌داری؟**

بله، من چند بار به اتهام سرقت رادوبویض ماشین، کیف‌قاپی و موبایل‌قاپی دستگیر شدم و هر بار هم از سه سال تا چهار سال زندان بوم.

**چه شد که پس از آزادی دوباره تصمیم به**

**سرقت گرفتی؟**

من دو سال قبل آزاد شدم و تصمیم گرفتم خلاف نکنم ودر آرایشگاهی مشغول به کار شدم، اما در آمدم کم بود، تصمیم گرفتم دوباره دستت به خلاف بزنم و دوباره به سراغ سرقت رادوبویض ماشین رفتم تا اینکه چند روز قبل دستگیر شدم.

**جرم اصلی شما الان سرسرت به شیوه خفته‌کنی است، چرا شیوه سرقت را تغییر دادی؟**

سرقت رادوبویض ریسکش بالا بود، یعنی باید شب در خیابان‌ها پرسه می‌زدم و در یا شیشه خودروهایی را که ایمنی کمتری داشتند، تخریب و بعد رادوبویض را سرقت می‌کردم که احتمال داشت پلیس در تاریکی

شب به من شک کند و بازداشت شوم. از طرفی هم درآمد خوبی نداشتم و مانخرها اموال سرقتی را به قیمت پایین می‌خریدند که تصمیم گرفتم شیوه‌ام را تغییر دهم. چند ماه قبل در اینستاگرام چند کلیپ سرقت به شیوه خفته‌کنی را که در خارج از کشور رخ داده بود، دیدم و تصمیم گرفتم این شیوه را انتخاب کنم. سپس این تصمیم را باپهروز که بچه یک محل هستیم و موتورسیکلت دارد در میان گذاشتم ووقتی فهمید پول خوبی گیرش می‌آید، بوسه شد وقبول کرد.

سرقت رادوبویض ریسکش بالا بود، یعنی باید شب در خیابان‌ها پرسه می‌زدم و در یا شیشه خودروهایی را که ایمنی کمتری داشتند، تخریب و بعد رادوبویض را سرقت می‌کردم که احتمال داشت پلیس در تاریکی من قبل از انجام سرقت چند روزی همراه همدمتم



برخورد تریلی با خودروی ال ۹۰ در اتوبان قم – گرمسار، مرگ سه سر نشین خودروی سواری را در پی داشت.

عباس قندالی، مدیر آتش نشانی گرمسار به ایلنا گفت: «این حادثه ساعت ۴ ابامداد دپروز یک‌شنبه ۲۷ شهریور در عوارضی اتوبان قم – گرمسار رخ داد. در جریان این حادثه، خودروی سواری به پشت تریلی برخورد کرده بود که بر اثر شدت حادثه سه سر نشین آن که دو زن و یک مرد بودند در دم جان باختند.» وی افزود: «در این حادثه سه تیم آتش‌نشانی بیش از یک ساعت و نیم برای رهاسازی پیکر متوفیان تلاش کردند.» علت حادثه در دست بررسی است.



«من دندانپزشک هستم و همراه خانواده‌ام در آپارتمانی در شمال تهران زندگی می‌کنم. روز حادثه برای انجام کاری از خانه بیرون آمدم و داخل خیابان در حرکت بودم که ناگهان مردی دستانش را از پشت سسر به گردنم انداخت و به شدت فشار داد. هر چقدر تفلا کردم از دست او خلاص شوم فایده‌ای نداشت، چون قدرت بدنی زیادی داشت و مرا به راحتی از روی زمین بلند کرد و به عقب کشاند. با کلمات بریدم‌بریده‌امو گفتم که دارم خفه می‌شوم، اما انگار صدای مرا نمی‌شنید تا اینکه از هوش رفتم و دقایقی بعد روی زمین به هوش آمدم و فهمیدم او کیفم را سرقت کرده است.»

**دستگیری سارقان**

در حالی که هر روز به تعداد شکایات افزوده می‌شد مأموران پلیس، پسر جوانی را هنگام سرقت رادوبویض خودرو به دام انداختند که شباهت زیادی با سارق شیوه خفته‌کنی داشت. مأموران در بررسی‌های دوربین‌های مداربسته متوجه شدند سارق دستگیر شده همان سارق اصلی است که به شیوه خفته‌کنی، کیف‌زنان را در خیابان‌های شمال تهران سرقت و با همدستش فرار می‌کند. متهم ۳۰ساله که شهروز نام دارد پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا منکر سرقت از زنان شد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به سرقت‌های سریالی از زنان به شیوه خفته‌کنی با همدستی پسر ۱۸ ساله‌ای به نام پهروز اعتراف کرد.

مأموران پلیس در ادامه همدست وی را هم بازداشت کردند. دو متهم صبح دپروز به دادسرا منتقل شدند و پس از اعتراف به جرمشان برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

تمرین و سعی کردم فوت و فن آن را کامل یاد بگیرم تا طعمه‌ام آسیب نبیند و دیدم که توان این کار را دارم. به صورت حرفه‌ای عمل می‌کردم و ز کمتر از ۶۰ ثانیه سرقت‌م را بدون اینکه طعمه‌ام آسیبی ببیند تمام می‌کردم. البته در یکی از سرقت‌هاوقتی با دستم گلویم زن جوان را گرفتم، او از هوش رفت که خیلی ترسیدم و چند دقیقه‌ای پشت درختی پنهان شدم تا ببینم وضعیتش چمی‌شود. وقتی به هوش آمدم، خیالم جمع شد و فرار کردم. اعتقاد هم دارم؟

نه، من ورزشکارم و قبلاً به صورت حرفه‌ای فوتبال بازی می‌کردم و هافبک سمت راست تیم باشگاهی بومم که در دسته یک بازی می‌کرده، اما رفت و آمد با دوستان ناپاب باعث شد وارد چر که خلافکاران شوم البته الان هم کم و شیوهارم را تغییر دادم.

## مرگ مشکوک زن جوان بررسی می‌شود

مأموران پلیس تهران به دستور بازپرس جنایی، سر دی جوان را که همسرش به طرز مرموزی به کام مرگ رفته است، بازداشت کردند. به گزارش جوان، چند روز قبل قاضی مدح‌حسین زارعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک زنی جوان در بیمارستانی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. بررسی‌های تیم جنایی در بیمارستان حکایت از آن داشت ساعتی قبل پیکر نیمه‌جان زنی جوان از سوی شوهرش به بیمارستان منتقل می‌شود، اما تلاش تیم پزشکی نتیجه‌ای نمی‌دهد و زن جوان به طرز مشکوکی به کام مرگ می‌رود. مرد جوان به مأموران گفت: «من با همسرم

## برادر و خواهر ناتنی به قتل اعتراف کردند

زنی جوان که متهم است با همدستی برادر ناتنی‌اش شوهرش را به قتل رسانده‌است، در دادگاه کیفری محاکمه شدند. به گزارش «جوان»، ۳۰ آذر ماه سال ۹۹ زنی جوان در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی شوهرش خبر داد. شاکی گفت: «شوهرم شاهین دوز روز قبل برای انجام کاری از خانه‌ام در جنت‌آباد بیرون رفت و دیگر بازنگشت. از آنجایی که سابقه داشت او بعد از یک یا دو روز بی‌خبری به خانه بر می‌گشت، خیلی نگران‌ش نشدم، اما الان که به تلفن‌های من جواب نمی‌دهد، نگران‌ش هستم و احتمال می‌دهم برای او اتفاقی رخ داده باشد.»

با طرح این شکایت مأموران پلیس به دستور بازپرس جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای پیدا کردن مرد گمشده آغاز کردند.

چند روزی از حادثه گذشته بود و تحقیقات همچنان درباره این حادثه ادامه داشت که مادر مرد گمشده به اداره پلیس رفت و مدعی شد عروسیش در گم شدن پسرش دست دارد.

بدین ترتیب مأموران پلیس از زن جوان به نم‌ثا تحقیق کردند، اما وی مدعی شد که از سرنوشت شوهرش بی‌خبر است.

**کشف جسد**

در حالی که بررسی‌ها حکایت از آن داشت زن جوان از مدتی قبل با شوهرش اختلاف و حتی چند باری هم درگیری و قهر داشته‌اند، مأموران پلیس خودرو و جسد شاهین را در بیابان‌های اطراف شهرستان اسلامشهر کشف کردند. پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد وی بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن در مکان دیگری خفه‌شده‌است و عامل یا عاملان قتل جسد او را با خودرواش به بیابان‌های اطراف اسلامشهر منتقل کرده‌اند.

از سوی دیگر در بررسی‌های فنی مشخص شد ثا شب حادثه همراه مردی جوان داخل خودرو مقتول دیده شده‌است. با به دست آمدن این اطلاعات مأموران همسر مقتول را به عنوان مظنون به قتل بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. وی ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی با دلایل و شواهد روبه‌رو شد، به قتل شوهرش با همدستی برادر ناتنی‌اش اعتراف کرد.

وی گفت: «مدتی بود به رفتارهای شوهرم مشکوک شده‌بوم تا اینکه متوجه شدم او با زن‌های زیادی ارتباط دارد. وقتی از او می‌خواستم ارتباطش را قطع کند، ارتباط با زنان را انکار می‌کرد و حتی در درگیری مرا هم کتک می‌زد. چند باری با هم درگیر شدم و کتکم زد و من هم قهر کردم و به خانه مادرم رفتم. برادر ناتنی‌ام خیر داشت با شوهرم اختلاف دارم و او مرا آتک می‌زند، اما هر بار با میانجیگری بستگان و اظهار پشیمانی شوهرم به خانه بر می‌گشتم. چند روز قبل از حادثه برای آخرین‌بار با شوهرم درگیر شدم که به برادرم گفتم از دست شاهین خسته شدم‌ام و می‌خواهم از او انتقام بگیرم. او هم قبول کرد و به کمک من آمد. شنبه دویدم و هیکل سرافق مسوم کردم و بی‌هوش شد که برادر ناتنی‌ام بر اساس نقشه از قبل طراحی شده به خانه‌ام آمد و شوهرم را خفه کرد. سپس جسد او را داخل توتوی بیچاندم و به داخل خودرواش منتقل کردم و بعد هم به بیابان‌های اطراف اسلامشهر بردیم و آنجا همراهِ خودرواش رها کردیم.»

**بازداشت قاتل**

پس از اعتراف متهم مأموران پلیس بهمن ۲۴ ساله را بازداشت کردند. و در بازجویی‌ها به قتل شوهر خواهر ناتنی‌اش اعتراف کرد و گفت: «مادر ثرا باری از فوت شوهرش با پدر من از آندو کرد و من به دنیا آمدم. من ثرا یا مثل خواهرم دوست داشتم و وقتی او را ناراحت می‌دیدم، عصبانی می‌شدم. وقتی به من گفت شوهرش آذیتش می‌کند، تصمیم گرفتم او را تنبیه کنم و در نهایت هم او را به قتل رساندم.»

**محاکمه در دادگاه**

دو متهم پس از اعتراف به قتل روانه زندان شدند تا اینکه چند روز قبل بهمن به جرم مباشرت در قتل عمد و خواهر ناتنی‌اش به جرم معاونت در قتل بعد از شبعه ۱۱ دادگاه کیفری محاکمه شدند.

در جلسه دادگاه اولیای مدی برای متهمان درخواست قصاص کردند. بهمن در جلسه دادگاه با اعتراف به قتل گفت: «خواهر ناتنی‌ام از پنج سال قبل با شوهرش به خاطر اعتیادش اختلاف داشت. آنها هر روز با هم درگیری داشتند و او خواهرم را کتک می‌زد. خواهرم را خیلی دوست داشتم و از سه سال قبل تصمیم گرفتم شوهرش را به قتل برسانم. شب حادثه فرص‌های خواب‌آور را به خواهر ناتنی‌ام دادم تا در جای زعفرانی حل و شوهرش را بی‌هوش کند. وقتی شوهرش بی‌هوش شد با پارچه‌ای او را خفه کردم و بعد دو نفری جسدش را داخل خودرو وانتش گذاشتم و در بیابان‌های اطراف اسلامشهر رها کردیم.»

ثرا هم در دادگاه گفت:«من قتل شوهرم را قبول ندارم. شب حادثه برادر ناتنی‌ام را او خفه کرد و او از من خواست پاهای شوهرم را نگه دارم که این کار را کردم. من در جریان نقشه‌قتل نبودم، اما به برادرم ناتنی‌ام کمک کردم و بعد از بیابان‌ها رها کردیم.»

در پایان جلسه، قضات دادگاه برای صدور رأی وارد شور شدند.

#### مفقودی

**برگ سبز و برگ کمپانی خودروی پراید صبا جی تی‌ایکس مدل ۱۳۸۲رنگ سفید شیرازی روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸-۶۶L۱۵۸ و شماره موتور ۰۰۴۲۹۸۶۴ و شماره شاسی ۰۵۵۸۲S۱۴۱۲۲۸۲۹ متعلق به محمود الهامی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**
**البرز**

#### مفقودی

**برگ سبز و برگ کمپانی خودروی هاچ‌بک پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۶رنگ خاکستری متالیک به شماره پلاک ایران ۷۳-۴۱۲هـ۶۸ و شماره موتور ۰۰۳۱۸۹K۴MA۶۹۰w۰۴۵۶۵۸ و شماره شاسی ۰۰۲۳۸S۱۴۱۲۲۸۲۹ و شماره پلاک ۶۵س۶۵ البرز مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**
**البرز**

#### مفقودی

**سند اصلی کارخانه و کارت سبز سواری رنو تیپ L۹۰مدل ۱۳۸۹ به رنگ مشکی به شماره موتور ۰۰۳۱۸۹K۴MA۶۹۰w۰۴۵۶۵۸ و شماره شاسی ۰۰۲۳۸S۱۴۱۲۲۸۲۹ و شماره پلاک ۶۵س۶۵ ایران ۴۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**
**گلستان**